

نشست علمی مدرسه عالی فقهات - شنبه ۳ آبان

موضوع: عدالت در فقه و فلسفه شریعت

مقرر: عبدالرحیم علی باقری (عضو حلقه اجتهادی اموال و عقود)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

در این نشست، موضوع عدالت و جایگاه آن در نظام فقهی و شریعت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در آغاز، یکی از افراد حاضر در نشست برداشت خود را از دیدگاه استاد علیدوست بیان کرد و گفت:

به نظر می‌رسد در آثار و بیانات شما، عدالت نه به مثابه «قاعده فقهی»، بلکه به عنوان «مبنای تکوین شریعت» مطرح است؛ به گونه‌ای که شارع، احکام را بر اساس عدالت جعل می‌کند. به تعبیر شما، شریعت لباسی است که بر قامت عدالت پوشانده شده است.

استاد در پاسخ فرمودند:

برداشت شما درست است، اما ناقص. عدالت در حقیقت همان لباسی است که بر تمام پیکره‌ی شریعت افکنده شده و همه اجزای آن را دربرمی‌گیرد. من گاه از آن با تعبیر «فراقاعده» یاد می‌کنم؛ یعنی امری فراگیرتر از قاعده که نقش تفسیری دارد، نه صرفاً قاعده‌مند.

البته در برخی حوزه‌ها مانند قضاوت و حکومت، عدالت می‌تواند نقش قاعده‌ای ایفا کند؛ مثلاً رعایت عدالت در داوری یا اجرای احکام اجتماعی، صرفاً تفسیر نیست بلکه خود، قاعده‌ای الزام‌آور است.

در ادامه بحث، استاد افزودند:

اسلام نیامده تا تعریف نظری از عدالت ارائه دهد، بلکه در تعالیم و احکام خود، تجسم عینی عدالت را پدید آورده است. شارع مقدس در جعل احکام، عدالت را مبنا قرار داده، نه اینکه عدالت را پس از جعل احکام بر آن بیفزاید.

عدالت پیشینی یا پسینی؟

در پاسخ به پرسشی درباره این که آیا عدالت مفهومی پیشادینی است یا پسادینی، استاد گفتند:

عدالت و ظلم از مفاهیم پیشینی دین‌اند؛ ما اشعری نیستیم که بگوییم «آنچه شارع فرموده عدل است». بلکه شارع در چارچوبی که عقل آن را درک می‌کند، احکام خود را وضع کرده است. عقل انسان‌ها از ابتدا حسن عدل و قبح ظلم را می‌فهمد، گرچه رشد تاریخی و تعالیم انبیا در تعمیق این فهم مؤثر بوده است.

به تعبیر استاد: شارع بر اساس همان عدالتی که عقلاً درک می‌کنند، نظام شریعت را سامان داده است. از این رو باید احکام را در بستر نظام منسجم شریعت فهمید؛ نه به صورت جزیره‌ای و جدا از سایر اجزا.

نسبت عدالت با نظام شریعت

استاد در توضیح افزودند: اگر مثلاً در ظاهر احکام، تفاوتی چون ارث زن و مرد دیده شود، نباید به صورت تک‌گزاره‌ای و منفصل آن را ظالمانه دانست. باید دید در همان نظام، نفقه و مسئولیت اقتصادی خانواده بر عهده‌ی مرد قرار گرفته است. توازن درون‌نظامی احکام، عدالت را شکل می‌دهد، نه نگاه‌گزینشی به یک حکم. به تعبیر ایشان: هیچ نظام حقوقی را نمی‌توان به صورت اتمیک و منفرد سنجید. باید مجموعه را به مثابه یک دایره دید و سپس داوری کرد که آیا در مجموع عادلانه است یا نه.

تعبد، عقل و عدالت

استاد با اشاره به مواردی که ظاهر احکام تعبدی است (مانند ربا یا دیه)، توضیح دادند:

در این موارد نیز اگرچه تعبد لازم است، اما شارع در همان محدوده نیز عدالت را نقض نمی‌کند. گاهی تعبد جنبه‌ی تربیتی یا آزمایشی دارد و مصلحتی و رای درک عرفی ما در آن نهفته است.

با این حال، در جایی که دلیلی قطعی بر تعبد نداشته باشیم و عقل به صورت یقینی ظلم بودن آن را درک کند، نمی‌توان حکم ظالمانه را به شارع نسبت داد. در چنین مواردی، عدالت می‌تواند به مثابه قاعده‌ای برای نقد و بازخوانی فهم‌های فقهی عمل کند.

کاربرد عدالت در فقه و حکومت

در ادامه نشست، استاد تأکید کردند: عدالت در مقام قضاوت و اداره‌ی حکومت، نه صرفاً مبنا، بلکه قاعده‌ای اجرایی است. قاضی و حاکم موظف‌اند عدالت را رعایت کنند و این رعایت، شرط صحت و مشروعیت عمل آنان است.

همچنین درباره‌ی «عدالت به عنوان پارادایم در روش‌شناسی اجتهاد» اشاره شد که: در اجتهاد معاصر، نگاه به عدالت می‌تواند در کنار نصوص، ابزاری برای کشف مقاصد شریعت باشد. فقیه باید در فهم حکم، میان دلالت نصوص و مقاصد شریعت توازن برقرار کند.

مثال‌هایی از تطبیق عدالت

در بخش‌های پایانی، استاد نمونه‌هایی فقهی برای روشن شدن نقش عدالت بیان کردند؛ از جمله:

بحث تعدیل مهریه به نرخ روز و نسبت آن با عدالت عرفی.

مسئله دیه و تغییر ارزش پول در زمان حاضر.

تفاوت ارث زن و مرد و ارتباط آن با مسئولیت‌های اقتصادی در خانواده.

نسبت میان اطلاقات و عمومات روایی با عدالت به عنوان قرینه مفسر.

استاد در جمع‌بندی گفتند: فقه را نمی‌توان از عدالت جدا کرد و به آخرت ارجاع داد. فقه، قانون زندگی است و باید در همین دنیا با معیار عدالت تطبیق یابد. هر جا که عقل قطعی ظلم را تشخیص دهد، نمی‌توان آن را به شریعت نسبت داد.

در پایان نشست، استاد علیدوست بر ضرورت پرداخت پژوهشی به موضوع عدالت در فقه تأکید کردند و فرمودند:

این مبحث ظرفیت آن را دارد که به عنوان رساله‌ی دکتری یا پروژه‌ی پژوهشی مستقل دنبال شود. ما باید عدالت را نه صرفاً مفهومی اخلاقی، بلکه عنصری ساختاری در فهم شریعت بدانیم. هر پژوهشگر فقهی لازم است نسبت عدالت با مقاصد شریعت و روش اجتهاد را در حوزه‌ی تخصصی خود بکاود.